

۷۲

بیرت ۴۰

پیشگاری والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی
۳۶۱ - بانکها

سال	مبلغ	شرح
۲۰۴۴۵	۷۵۹۶۰	طنی
۲۶۳۴۹	۲۲۱۹۶۹۷	ایران و هلند
۲۳۲۶۸۹	۲۲۲۶۹۸	"
۹۷۳۰۰	۱۷۳۰	طنی
۱۲۴۷۲۷	۵۳۳	صادرات
۰۶۷۳۶		جنرال موسیقی
۷۱۷۲۰	۴۰	ایران
۷۳۱۸۴۸	۴۹۲۲/۰۴	بازرگانی
۳۳۷۲۸۶		اعتبارات
۱۷۴۰۰۰		مدلند بانک انگلستان
۲۱۶۱۰۴	۱۰۲۳۸۹	طنی
۴۴۰۰۰	۶۰۰	صادرات
۱۲۲۹۷۹۹	۶۳۲۰۰۹	عمران
۲۴۰۰۰		سپه کج
۴۱۵۷۵۹۱۵	۵۱۵	صادرات
۳۰۰۸۰		توسعه کشاورزی
۸۰۰۹۴۱	۴۵۵۰۰	بازرگانی
۱۶۶۶۱۱۴	۶۰۰۷۷	سپه
۱۹۲۱۰۳	۱۵۰	پارس
۷۴۹۸۴۵	۹۲۵	"
۴۴۰۰۰	۱۸۶۰	طنی
۱۵۹۰۰	۱۵۰	صادرات
۵۵۱۱۶۶۰۱		مانده حساب بانکها در سال ۳۶

۷۳

بریت ۲۲

پیشکاری والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی

۲۱ - وام و اعتبار

سال	شرح
۶۴۲۱۱۱	بانک تعاون کشاورزی
۷۰۰۰۰۰۰۰	* صادرات ۵۱۵
۲۳۲۷۰۰۰۰۰	* عمران ۲۳۲۰۰۱
۶۳۴۶۰۱۵۰۰	فرست نشنال سیتی بانک اکومپاری
۳۰۰۰۰۰۰۰	شرکت مهرساختمان
۳۱۱۲۵۰۰۰	بانک توسعه کشاورزی طرح ۱۰۲ باغداری نس...
۲۵۰۰۰۰۰۰	* ۱۰۳ سازمان زراعی مهرشهر
۲۲۴۴۰۰۰۰	* ۱۹۰ سردخانه ۱۰۰۰۰ تنی
۴۹۰۰۰۰۰۰	* ۳۹۱ کارخانه آبپوشه گیری
۷۵۰۰۰۰۰۰	* ۴۰۲ سردخانه ۵۰۰۰ تنی مهرشهر
۷۲۰۰۰۰۰۰	* ۸۹۰ سردخانه ۳۰۰۰ تنی
۵۰۰۰۰۰۰۰	* ۸۹۱ سردخانه ۱۰۰۰ تنی گرگان
۴۰۲۷۳۶۰۰۰	* ۱۰۱۶ مزرعه شهرآزاد
۱۱۰۰۰۰۰۰	* ۱۲۳ ۳۷۰ هکتاری شهرآزاد
۲۲۲۷۸۰۴۴۱۱	مانده حساب وام و اعتبار در سال ۳۶

۷۴

پریت ۷۵

پیشکاری والا حضرت شاہد عت شمس پہلوی

۱۱۹ - لای مایورکا

ردیف	شرح هزینه	کد حساب
۳۵۳۲۵	دستبرد موافق	۶۱۸
۲۳۷۰۱۳	متفرقه	۶۲۹
۱۷۶۸۷۵	بیمہ و مالیات و ساقط نقلیہ	۶۹۳
۶۷۷۲۰	حقوق کارکنان خارجی	۶۱۷
۱۹۳۵۰۵	مالیات بیمہ ساختمان	۶۴۸
۷۱۰۳۸	جمع هزینه تا پایان سال ۳۶	

۷۵

۷۸

پیشگاری والا حضرت شاهدخت شمع پهلوی

۱۳۱ - حساب اختصاصی

کد حساب	شرح هزینه	سال
۶۵۵	هزینه مخصوص	۱۳۵۰۰۷۲۷۲
۶۷۱	وجوه نقدی	۳۵۲۱۸۲۱۲۶
۶۳۹	جواهرات	۶۳۲۰۰۰۰
		<u>۴۹۴۰۰۰۰</u>

۱۳۲ - اختصاصی والا گهرها

۶۷۱	وجوه نقدی اختصاصی	۸۴۰۰۰۰۰
		<u>۸۴۰۰۰۰۰</u>

۸۰

ردیف	تاریخ	موضوع	محل	شماره
۱	۱۷۵۸	۸۹۱
۲	۲۲۸,۸	۸۹۰
۳	۴۳۹,۲	۷۹۹۵۴
۴	۷۲۳۵	۲۲۸۷۴
۵	۴۴,۷۵,۵۴۸	۵۸۰۶۶
۶	۴۹,۷۸۴,۷۸	۵۸۰۶۷
۷	۲۰,۲۴۶,۲۲۸	۳۹۱
۸	۳۹,۵۴۷,۰۰۰	۱۰۳
۹	۱۰۴,۲۶۴,۴۲۰	۱۰۱۶
۱۰	۱,۰۸۱,۷۴۸,۲۶۵
۱۱	۱۷۴-۶-۱۳۴

موردی در این باره...

نویسنده...

تاریخ ثبت سند...

۱۷۲-۶-۱۲۴-پ

۸۱

ملاحظات	تقریبی	تقریبی	تقریبی	مدت قرارداد	تاریخ شروع قرارداد	تاریخ اتمام قرارداد	نام قرارداد	یافت
	از قرارداد مشورتی آریال	—	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۸ روز بوم: ۳۰ روز	۲۵۳۶/۷/۱۵	۲۵۳۶/۷/۱۵	پرسازی ۲۰۰ هکتار	۱
۲۳۰۱ ریال ۳۲۵۳۳ ریال ۱/۴٪ ۱۳۰۰۰ ریال ۱۰۰٪	مرحله اول: ۱۵۰ روز بوم: ۲۶۲ روز	۲۰۰۰۰۰۰۰	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۷ روز بوم: ۹۰ روز	از تاریخ دریافت اطلاعات پیوست شماره ۵	۲۵۳۶/۷/۱۵	زین گلف و گلف هارس	۲
	مرحله اول: ۱۰۰ روز بوم: ۲۰۰ روز	۱۰۰۰۰۰۰۰	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۱۵ روز بوم: ۲۰ روز	" " "	۲۵۳۶/۷/۱۵	کرنایزگانی برشبر	۳
	مرحله اول: ۳۳۵ روز بوم: ۳۱۵ روز	۶۵۰۰۰۰۰۰	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۶ روز بوم: ۶۰ روز	۲۵۳۶/۷/۱۵	۲۵۳۶/۷/۱۵	مدان کاخ	۴
۵۴۰۴۹ ریال ۱۰۰٪ ۳۸۲۸۲ ریال ۱۰۰٪ مشاوره و خدمات مرحله اول: مشورت	مرحله اول مقدماتی بوم: ۲۷۱ روز	۴۵۰۰۰۰۰۰	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۶ روز بوم: ۳۰۰ روز	۲۵۳۶/۵/۱۷	۲۵۳۶/۳/۱۴	کلتوری کلاب و کلاب هارس	۵
۲۳۶۱۳۳ ریال ۱۰۰٪ ۸۷۱۸۷ ریال ۱۰۰٪	مرحله اول: مقدماتی بوم: ۲۴۱ روز	۱۴۰۰۰۰۰۰ ۳۷۶۰۰۰۰۰	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۱۰ روز بوم: ۱۵۰ روز	۲۵۳۶/۵/۱۷	۲۵۳۶/۳/۱۴	ساختن پیشکاری	۶
۲۲۶۴۳۲ ریال ۱۰۰٪ ۱۶۶۰۰۰ ریال ۱۰۰٪	مرحله اول: مقدماتی بوم: ۲۴۱ روز	۱۴۰۰۰۰۰۰	هزینه اجرای قرارداد آریال	مرحله اول: ۱۰ روز بوم: ۳۶۰ روز	۲۵۳۶/۵/۱۷	۲۵۳۶/۳/۱۴	کلینگ و هکتار	۷

۸۲

تاریخ: ۲۵ شهریور ۱۳۳۷
 نام: ...
 شماره: ...

مبلغ		تاریخ		مبلغ		تاریخ		مبلغ		تاریخ	
پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد	پیدا شد
۱۰۱۸۵۰	۱۱۳۱۶	۱۱۳۱۶	-	۳۳۹۰۰	۳۳۹۰۰	۳۰۵۵۵	-	۳۳۹۰۰	۳۳۹۰۰	۱۰	-
۲۳۲۶۲	-	۲۳۲۶۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۱۱۳۳	۱۳۵۷۰	۱۳۵۷۰	۱۰۰	۵۸۲۸۱	۵۸۲۸۱	۵۷۴۵۲	-	۵۸۲۸۱	۵۸۲۸۱	۴۰	-
۳۲۷۸۱	-	۳۲۷۸۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۵۴۰۴۹	-	۵۴۰۴۹	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۷۸۰۹	۱۹۷۸	۱۹۷۸	-	۱۹۷۸۸	۱۹۷۸۸	۱۷۸۰۹	-	۱۹۷۸۸	۱۹۷۸۸	۲۵	-
۴۴۸۶۸	۴۹۸۵	۴۹۸۵	-	۴۹۸۵۲	۴۹۸۵۲	۴۲۸۲۸	-	۴۹۸۵۲	۴۹۸۵۲	۵۰	-
۴۰۰۰	-	۴۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۱۹۵۲	۲۴۳۹	۲۴۳۹	۲۵	۱۱۳۸۱	۱۱۳۸۱	۱۰۲۴۵	-	۱۱۳۸۱	۱۱۳۸۱	۲۵	-
						۱۰۵۸۲	-				

[۱۲۴-۶-۲۵ - پ]

خطی ۲۸۳۷
 کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران

ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷		ع. ۳۷	
سایر		سایر		سایر		سایر		سایر		سایر		سایر		سایر		سایر		سایر		سایر	
ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع
۷۲۰۵	۸۰۰۲۵	۸۰۰۰۶	۸۰۰۰۶	۰	۰	۲۱۷۱۷۵۵	۲۴۰۱۹۵	۲۴۰۱۹۵	۰	۱۵	۵۰۴۴۰۹۵	۵۲۰۴۵۵	۵۲۰۴۵۵	۰	۳۵	۵۲۰۴۵۵	۵۲۰۴۵۵	۰	۳۵	۵۲۰۴۵۵	۵۲۰۴۵۵
۱۱۷۳	-	۱۲۷۳	۱۲۷۳	۱	۱	-	-	-	-	-	۱۲۷۳	-	-	-	۱۰۰	۱۲۷۳	۱۲۷۳	-	۱۰۰	۱۲۷۳	۱۲۷۳
۹۲۷۷	۱۰۳۰۸۴۸	۱۰۳۰۸۴۸	۱۰۳۰۸۴۸	۱۰۰	۱۰۰	۳۷۱۱۰۵۴	۴۱۳۳۳۴	۴۱۳۳۳۴	۲۳۳۳۳۳	۲۳۳۳۳۳	۵۵۲۲۵۷۹	۲۱۸۵۰۹	۲۱۸۵۰۹	۲۰	۲۰	۲۱۸۵۰۹	۲۱۸۵۰۹	-	۲۰	۲۱۸۵۰۹	۲۱۸۵۰۹
۲۳۹	-	۲۳۹	۲۳۹	۱	۱	-	-	-	-	-	۲۳۹	-	-	-	۱۰۰	۲۳۹	۲۳۹	-	۱۰۰	۲۳۹	۲۳۹
۲۸۲۴	-	۲۸۲۴	۲۸۲۴	۱	۱	-	-	-	-	-	۲۸۲۴	-	-	-	۱۰۰	۲۸۲۴	۲۸۲۴	-	۱۰۰	۲۸۲۴	۲۸۲۴
۱۲۲	۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۰	۱۰	۱۲۲۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۰	-	-	-	-	۱۰	-	-	-	۱۰	-	-
۲۳۷۴	۲۵۲۷۱۱	۲۵۲۷۱۱	۲۵۲۷۱۱	۵	۵	۲۳۷۴۹۸	۲۵۲۷۱۱	۲۵۲۷۱۱	۲۵۲۷۱۱	۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۸۳	-	۲۸۳	۲۸۳	-	-	-	-	-	-	-	۲۸۳	-	-	-	-	۲۸۳	۲۸۳	-	-	۲۸۳	۲۸۳
۱۵۵۲	۱۷۲۵۷۶	۱۷۲۵۷۶	۱۷۲۵۷۶	۷۵	۷۵	۷۲۴۸۱۵	۸۰۵۴۵	۸۰۵۴۵	۸۰۵۴۵	۷۵	۸۲۸۳۲۰	۹۲۰۴۰	۹۲۰۴۰	-	۲۰	۹۲۰۴۰	۹۲۰۴۰	-	۲۰	۹۲۰۴۰	۹۲۰۴۰

۱۲۴-۶-۳

اشرف پهلوی

www.KetabFarsi.com

◆ مقدمه

◆ اسناد

www.KetabFarsi.com

اشرف پهلوی

شاید چندان دور از واقعیت نباشد اگر بگوییم اشرف پهلوی یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین افراد خاندان پهلوی بوده است. نقش وی به عنوان یک عنصر سیاسی و تأثیرگذاری وی بر محمدرضا پهلوی و نفوذ او در دربار و واکنش بعضی از سیاستمداران از جمله حسین علاء و اردشیر زاهدی در برابر وی و سرانجام تبعید او به خارج از کشور در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، همه و همه انگیزه‌هایی است که ما را بر آن می‌دارد تا به سادگی از کنار این شاهزاده پهلوی نگذریم و با تأملی در خور، به بررسی زندگی سیاسی و اجتماعی وی بپردازیم.

افزون بر نقش اشرف پهلوی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، فعالیت او در امور بازرگانی و نفوذ او در میان بعضی از رجال تاریخ سده گذشته و ارتباط با آنها، حکایت از حضور انکارناپذیر او در تاریخ این دوران دارد و ضرورت شناخت هرچه بیشتر او و شناخت شبکه‌ای از افراد مرتبط با او را، آشکار می‌سازد. اکنون با توجه به اسناد و مقایسه آنها با منابع گوناگون برآنیم تا به قدر وسع شناختی از وی ارائه دهیم.

اشرف پهلوی در کودکی و نوجوانی

اشرف پهلوی خواهر توأمان محمدرضا پهلوی به فاصله چند ساعت بعد از برادرش در چهارم آبان ۱۲۹۸ ه.ش به دنیا آمد. در مدرسه دخترانه زرتشتی‌ها تحصیل کرد و زبان فرانسه را از معلم خانوادگی دربار، مادام ارفع فرا گرفت اما تحصیلات دانشگاهی نداشت.^۱ همزاد بودن او با کسی که باید از کودکی وی را

۱. اشرف پهلوی درباره تحصیلاتش می‌نویسد: پدرم چون به کمبود تحصیلات رسمی خود کاملاً آگاه

«والاحضرت» خطاب می‌کرد از مسائلی است که همواره ذهن او را به خود مشغول کرده بود. وی در مورد تولدی که در آن او را یک میهمان ناخوانده به شمار می‌آوردند می‌گوید:

قبل از من خواهر دوست داشتنی‌ام، شمس، به دنیا آمده بود و حالا هم پسری متولد شده بود که رؤیای پدر و مادرم را برآورده می‌ساخت. این حقیقت که من در همان روزی متولد شده بودم که محمدرضا پهلوی، ولیعهد و شاه آینده ایران، به دنیا آمده بود، همیشه این فکر را در من تقویت می‌کرد که هرگز نباید از پدر و مادرم انتظار داشته باشم محبت و علاقه مخصوصی نسبت به من اظهار نمایند.^۱

بعد از تولد علیرضا - چهارمین فرزند تاج‌الملوک - اشرف پهلوی همواره می‌پنداشت که مورد بی‌مهری خانواده قرار می‌گیرد. این احساس بی‌اعتنایی نسبت به او چنان تأثیر عمیقی بر جای گذاشته بود که در کهنسالی نیز هنوز آن دوران را از یاد نبرده است:

بعضی شبها را به خاطر می‌آورم که خوابم نمی‌برد و می‌دیدم که مادرم و خواهرم در کنار هم خوابیده‌اند. بیرون در کمی گریه می‌کردم، بعد نزد دایه‌ام می‌رفتم و با خودم فکر می‌کردم که هیچ جای خاصی برای من وجود ندارد. من خیلی زود به این واقعیت پی بردم که خودم باید مسائل و مشکلاتم را حل کنم، خودم باید مستقلاً فکر و اقدام بکنم، و بهای آن را هم بپردازم.^۲

یکی از دوستان دوران نوجوانی او مهرپور، پسر عبدالحسین تیمورتاش - وزیر دربار - بود که حتی زمزمه‌هایی برای ازدواج آنها بر سر زبانها افتاده بود.^۳ اما با توقیف تیمورتاش به دستور رضا پهلوی و به زندان افتادن او در زمستان ۱۳۱۱ (ش. ه)، اشرف پهلوی لاجرم باید مهرپور را فراموش می‌کرد.

→ بود، از این‌رو تصمیمش آن بود که ما باید تحصیل کنیم، و دست کم یک زبان خارجی یاد بگیریم. به همین جهت، مادام ارفع را، که همسر فرانسوی یکی از افسران ارتش بود، استخدام کرد تا به ما زبان فرانسه بیاموزد. اما ساعاتی را که ما با خانم ارفع می‌گذرانیدیم شباهتی به کار در کلاس درس نداشت چون او در این ساعات درهای دنیای تازه و ناشناخته‌ای را به روی ما می‌گشود، دنیای سحرآمیز و ناآشنا، و شهری به نام پاریس که ما را شیفته و مسحور خود ساخته بود. (اشرف پهلوی. من و برادرم؛

خاطرات اشرف پهلوی. نشر علم، ۱۳۷۵. ص ۵۵.)

۱. همان. ص ۳۲.

۲. همان. ص ۶۰.

۳. همان. ص ۵۱.



محمد رضا و اشرف پهلوی [۱۰۴۴-۱-پ]

اشرف پهلوی و همسران وی

۱. علی قوام

اشرف پهلوی در سن ۱۷ سالگی به عقد علی قوام در آمد. پیش از آنکه درباره این ازدواج بگوییم به شرح مختصری درباره علی قوام و خانواده وی می‌پردازیم تا با زمینه‌های ازدواج این شاهزاده پهلوی با مردی که هرگز او را ندیده بود آشنا شویم. علی قوام در شیراز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر گذراند. بعد برای ادامه تحصیل به انگلستان عزیمت نمود و در دانشکده اکسفورد لندن به تحصیل پرداخت. پس از ازدواج با اشرف پهلوی، دوره دانشکده افسری و دانشگاه جنگ را به پایان رساند.

علی قوام پسر ابراهیم خان قوام الملک شیرازی، جد او حبیب‌الله خان، از خاندان قوام‌الملک شیرازی است و جد اعلای آنان حاج میرزا ابراهیم خان اعتمادالدوله، کلاتر شیراز بوده است. «گویا اعتمادالدوله مدعی بوده که نسبت وی به حاج قوام‌الدین حسن، وزیر شاه شجاع و ممدوح خواجه حافظ شیرازی می‌رسد و حال آنکه معروف است اجداد او از یهودیان جدیدالاسلام شیراز بوده‌اند.»^۱

چگونگی عملکرد ابراهیم قوام و خانواده او در برابر تجاوز نظامی انگلیس به جنوب ایران و نقش او در سرکوب قیام عشایر به رهبری حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری، آشنایی روشنتری از چهره این خاندان صاحب نفوذ به دست می‌دهد:

ابراهیم قوام پس از قتل پدرش در سالهای تجاوز نظامی انگلیس به جنوب ایران و سلطه قوای نظامی انگلیس موسوم به پلیس جنوب ایران - S.P.R - که منجر به فتوای جهاد حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری و قیام همگانی عشایر و مردم جنوب در سال ۱۳۳۶ق شد، به اتفاق عبدالحسین میرزای فرمانفرما نقش مهمی در شکست نهضت و تحکیم سلطه استعماری بریتانیا بر ایران ایفا کرد. به گفته عبدالحسین میرزای فرمانفرما: خدمتگزاری قوام‌الملک به دولت انگلیس اظهر من الشمس است. دکتر محمد مصدق می‌نویسد:

فرمانفرما و قوام [پدر علی قوام] هم در شیراز از قونسول انگلیس برای مخارجی که قلمداد می‌نمودند یکصد لک روپیه که آن وقت با سه میلیون تومان برابر بود دریافت نمودند و یک ورق سفید هم [رسید] به قونسونگری ندادند و یکی از اقلام این

۱. رجال بامداد به نقل از: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: جستارهایی از تاریخ معاصر ایران. جلد دوم.

تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰. ص ۴۸۴.

مخارج را هم که ماژر مید قونسول انگلیس به من گفت وجهی معادل شش هزار تومان بود که برای تعزیه‌دارای حضرت سیدالشهداء گرفته و تا دینار آخر آن را خرج [خود] کرده بودند.^۱

ابراهیم قوام دارای چهار فرزند به نامهای علی، رضا، ایران‌دخت و ملک‌تاج بود، ملک‌تاج با امیراسدالله علم ازدواج کرد و بدین ترتیب پیوند خانواده‌های سرشناس و بانفوذ روزبه‌روز فزونی می‌یافت. خاندان قوام شیرازی، خانواده علم و شیخ خزعل به مثابه حاکمان محلی سلطه خود را بر اعراب و عشایر منطقه تثبیت کردند:

دستگاه اطلاعاتی انگلیس کوشید تا به ویژه در نواحی شمال شرقی، مرکزی و جنوبی ایران نوعی تمرکز در قدرتهای عشایری ایجاد کند. به تبع این سیاست بود که در ایلات بختیاری، عشایر عرب خوزستان - به رهبری شیخ خزعل - و ایلات خمسه فارس - به رهبری خاندان قوام شیرازی - نوعی شبه دولتهای خودمختار شکل گرفت و در شمال شرقی و شرق ایران توسط خاندان علم یک قدرت مبتنی بر ایلات و قبایل به منظور انسداد راه توسعه‌طلبی روسیه به سمت هندوستان پدید شد.^۲

با شناخت خانواده علی قوام و خدمتگزاری آشکار آنها به دولت انگلیس چندان دور از انتظار نیست که انتخاب علی قوام برای پیوند با دربار رضا پهلوی به انگیزش دستگاه اطلاعاتی انگلیس شکل گرفته باشد. اما اگر حتی احتمال مزبور را مردود بشماریم و این وصلت را خواست شخص رضا پهلوی بدانیم در این صورت نیز موجبات خرسندی و رضایت دولت فخریه فراهم شده است. چرا که پیوند «اشرافیت اطلاعاتی» با قدرت مرکزی، برای آنها پیامدهای با شگونی در پی می‌داشت که مهم‌ترین آنها کسب اطلاعات بیشتر از درون دربار می‌باشد.

ازدواج اشرف پهلوی با علی قوام در فضایی آکنده از رنگ و بوی سیاسی، بدون پیش‌زمینه‌های عاطفی و اخلاقی لازم برای پیوند زناشویی، به اشرف پهلوی تحمیل شد. وی از خاطره این ازدواج به تلخی یاد می‌کند: «در حالی که پیراهن سفید لانون به تن داشتم، در مراسم عروسی مشترکی که برای من و شمس برپا شده بود تن به ازدواج دادم، اما اگر پیراهن سیاه پوشیده بودم مناسب‌تر بود.»^۳

این ضیافت که بیشتر به یک تراژدی می‌مانست با دو ویژگی جلوه می‌نمود: یکی

۱. همان. صص ۴۸۵ - ۴۸۶. ۲. همان. ص ۱۶۶. ۳. اشرف پهلوی. همان. ص ۷۷.

آنکه هر دو داماد یعنی فریدون جم - فرزند محمود جم - و علی قوام به طور ناگهانی، ظاهراً به انتخاب رضا پهلوی، به شمس و اشرف پهلوی معرفی شده‌اند، دیگر این که چون فریدون جم برای اشرف پهلوی و علی قوام برای شمس در نظر گرفته شده بودند خواهر بزرگتر، - شمس پهلوی - خود را مخیر می‌دانست که لااقل تن به ازدواج با علی قوام ندهد و فریدون را برای خود برگزیند. و این خود به تنهایی کافی بود تا آتش رشک برای همیشه در دل اشرف پهلوی شعله‌ور باشد:

اولین باری که چشمم به دو داماد آینده افتاد هنگامی بود که آنان با برادرم تنیس بازی می‌کردند. قرار بود فریدون جم، که افسر جوان ارتش و پسر نخست‌وزیر بود، شوهر آینده من شود، و خواهرم با مردی به نام علی قوام، که از خانواده‌های سرشناس شیراز بود، ازدواج کند. طبیعتاً من در آن روز فقط به مردی که برای همسری من انتخاب شده بود توجه کردم. باید اعتراف کنم که هر چند هنوز علاقه‌ای به ازدواج نداشتم، ولی او را جوانی بلندبالا، خوش اندام و با سلیقه یافتم. اما متأسفانه شمس اظهار نظر کرد که او به نامزد من بیشتر از مردی که پدرمان برای او انتخاب کرده بود علاقه‌مند است. چون او خواهر بزرگتر بود، حق تقدم را به او دادند، و به این سبب نامزدهای ما را رسماً عوض کردند. من از همان اول از علی قوام بدم آمد. نمی‌دانم علتش این بود که او به اندازه فریدون جم جذاب نبود، یا این که چون او را به من تحمیل کرده بودند از او بدم می‌آمد. یک هفته تمام از اتاقم بیرون نیامدم و گریه کردم.^۱

علی قوام حسابگرانه به موقعیت‌هایی می‌اندیشید که از این ازدواج عایدش شده بود و همچنان از این وصلت خرسند می‌نمود. وی همواره رنج زندگی ناموفق خانوادگی و زناشویی را برای دستیابی به امکانات بیشتر اجتماعی و سیاسی بر خود هموار می‌کرد بدون آنکه حاضر باشد اندیشه جدایی را به خود راه دهد.

خیلی عجیب به نظر می‌آید که شوهرم از این بی‌علاقگی من، و یا از این که بین ما هیچ‌گونه محبتی وجود نداشت، به هیچ‌وجه ناراحت نبود. چنین می‌نمود که او به همین راضی است که اسماً شوهر دختر شاه باشد. او کمترین توجهی به این نداشت که ما باید با هم زندگی زناشویی واقعی داشته باشیم. ما هرگز درباره احساسهایمان با یکدیگر صحبت نمی‌کردیم.^۲



*En souvenir a Madame Assad Bahader
Ashraf Pahlavi*

اشرف پهلوی و علی قوام | ۱۳۶۰ - ۱ - پ

این ازدواج به مدت شش سال به سختی دوام آورد، واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ و ورود نیروهای بیگانه به ایران چون صاعقه‌ای دهشتناک فرود آمد و اشرف پهلوی به هنگام تبعید رضا پهلوی از ایران توانست نظر او را برای جدایی از علی قوام جلب کند اما چون علی قوام نمی‌خواست از موقعیت‌هایی که داماد دربار بودن برایش مهیا می‌ساخت محروم بماند به آسانی به این متارکه رضایت نداد در هر حال این وصلت در سال ۱۳۲۲ رسماً به طلاق انجامید. حاصل اولین ازدواج اشرف پهلوی، شهرام است که نام خانوادگی پهلوی‌نیا را برای خود برگزید.

با آغاز دوره جدید، رابطه اشرف پهلوی با خانواده تیمورتاش از سر گرفته شد. اما به زودی مهرپور که از دیرباز مورد علاقه اشرف پهلوی بود در سانحه اتومبیل درگذشت و بعد از او اشرف به پسر دیگر تیمورتاش، هوشنگ، دل بست اما بعید به نظر می‌رسید که محمدرضا پهلوی به دلیل اختلافات قبلی با این خانواده و قتل عبدالحسین تیمورتاش در زندان رضا پهلوی به وصلت با آنها تن در دهد، و این ماجرا برای اشرف پهلوی چون تمنایی محال به دست فراموشی سپرده شد.

۲. احمد شفیق

در پی سفر اشرف پهلوی به مصر و آشنایی او با احمد شفیق مقدمات ازدواج آنها فراهم آمد. احمد شفیق یک تاجر مصری بود. وی پسر شفیق پاشا، رئیس دفتر خدیو عباس حلمی، بود که بعد از انتخاب ملک فؤاد به سلطنت، از مصر تبعید و مقیم اروپا شد. اشرف پهلوی از طریق او وارد بسیاری از معاملات تجاری شد و احمد شفیق با برخورداری از نفوذ اشرف پهلوی مدیرکل شرکت بیمه کشور، مدیرکل هواپیمایی ایرلاین و رئیس سازمان هواپیمایی کشور شد.

اشرف پهلوی در مصاحبه‌ای با خبرنگار آلمانی درباره نحوه آشنایی با احمد شفیق می‌گوید:

در بحبوحه زمانی که من فوق‌العاده در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بودم، با شوهر فعلی‌ام که عشق بزرگ مرا در زندگی تشکیل می‌دهد، آشنا شدم. احمد شفیق شوهرم، فرزند یک مورخ و وزیر مصری است. در ۱۹۴۳، من برای ملاقات پدر خود به ژوهانسبورگ رفتم و در راه، پادشاه مصر، فاروق را در قاهره ملاقات کردم و در کلوب «فراوسیار» در یک اسب‌دوانی شرکت نمودم. موقعی که فاروق به کسی که نفر اول شده بود جایزه می‌داد، من چندان توجهی نداشتم که او کیست و در مدت سه ماه اقامت در قاهره نیز حادثه جالبی رخ نداد، ولی در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۴ با همان



اشرف، احمد شفيق، شهريار و آزاده شفيق [۱۳۳۳-۱-پ]

قهرمان سوارکار که کسی جز احمد شفیق نبود، ازدواج کردم. شفیق یک مرد ورزشکار و قابل است و برادرم اداره هواپیمایی کشور را تحت نظر او قرار داد.^۱

ازدواج اشرف پهلوی با احمد شفیق در سال ۱۳۲۲ به وقوع پیوست اما این ازدواج نیز از آسیب زوال در امان نماند و آنها در سال ۱۳۲۹، یعنی ۹ سال پیش از طلاق رسمی با توافقی دو جانبه از هم جدا شدند. اشرف پهلوی بی وفایی و خیانت همسرش را از عوامل اصلی این جدایی برمی شمرد:

... شفیق و من هرگز عاشق دلخسته یکدیگر نبودیم، ولی از اینکه دیدم بیگانه‌ای خبر بی وفایی او را به من می‌دهد آزرده خاطر شدم و از این کار احساس سرشکستگی کردم. وقتی این اتهام را با شفیق در میان گذاشتم او به حقیقت مطلب اعتراف کرد، و بیانش آن‌چنان آرام و عادی بود که دریافتم این رابطه مدتی دیگر نیز احتمالاً ادامه خواهد داشت.^۲

احمد شفیق در سال ۱۳۵۵ به بیماری سرطان درگذشت و فرزندان او - شهریار و آزاده - نام خانوادگی شفیق را برای خود برگزیدند.

یکی از مشاغل در خور تأمل و حساس احمد شفیق ریاست هواپیمایی کشوری است. دکتر مصدق در مهرماه ۱۳۳۱ خواهان برکناری وی از این سمت شد.^۳ نامه‌های اشرف پهلوی به قوام‌السلطنه و سایرین، به تصور سانسور دکتر مصدق و از بیم او، با پست عادی فرستاده نمی‌شد بلکه به وسیله شوهرش احمد شفیق و توسط خلبانهای مورد اعتماد که هر هفته چند بار به اروپا رفت و آمد داشتند، انجام می‌گرفت.^۴ همچنین گزارش سازمان جاسوسی امریکا حاکی از این است که: «احمد شفیق مدیر هواپیمایی پاریس با استفاده از این موقعیت برای رسیدن به اهداف خود در زمینه حمل قاچاق به سوئیس و بالعکس استفاده می‌کرده است.»^۵

۱. نصرالله شیفته. زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر مصدق. تهران، نشر کوشش. ۱۳۷۰. صص ۱۹۶-۱۹۷.

۲. اشرف پهلوی. همان. ص ۲۲۷.

۳. مارگارت لاینگ. مصاحبه با شاه. ترجمه ارهتیر روشنگر. تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱. ص ۱۷۵.

۴. حسین مکی. سالهای نهضت ملی. جلد پنجم: کتاب سیاه. تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۰. ص ۲۲۸.

۵. از ظهور تا سقوط. ترجمه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام؛ جلد اول. تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۶. ص ۱۰۸.

۳. مهدی بوشهری

سومین شوهر اشرف پهلوی مهدی بوشهری است. پدرش جواد بوشهری از خانواده‌های صاحب نفوذ بوشهر به شمار می‌آمد. مهدی بوشهری سفیر سیار و رئیس هیئت مدیره فستیوال‌های هنری بود. وی چند سال قبل از انقلاب تلاش نمود تا هواپیمایی شوروی - آئرو فلوت - در ایران اجازه پرواز بیابد. بوشهری در اواخر عمر رژیم محمدرضا پهلوی سازمان‌گسترش سینمایی را تأسیس کرد و چند فیلم سینمایی مشترک با شرکت هنرپیشگان معروف جهان - از جمله کاروانها با شرکت آنتونی کوئین - تهیه کرد. از خاطرات اشرف پهلوی چنین برمی‌آید که در ازدواج با مهدی بوشهری نسبتاً موفق بوده است وی با ابراز خرسندی دلایل این موفقیت را چنین برمی‌شمرد:

در حقیقت فقط دو مرد، یعنی پدرم و برادرم، بر زندگی من تسلط داشته‌اند لکن مهدی به دلیل دارا بودن روش آرام و درک صحیح، از همان اولین روزهای دیدارمان، بخش بسیار مهمی از زندگی‌ام را به خود اختصاص داده است. او در پاریس این فرصت را به من داد که جوان و شاد و بی‌بندوبار باشم.^۱

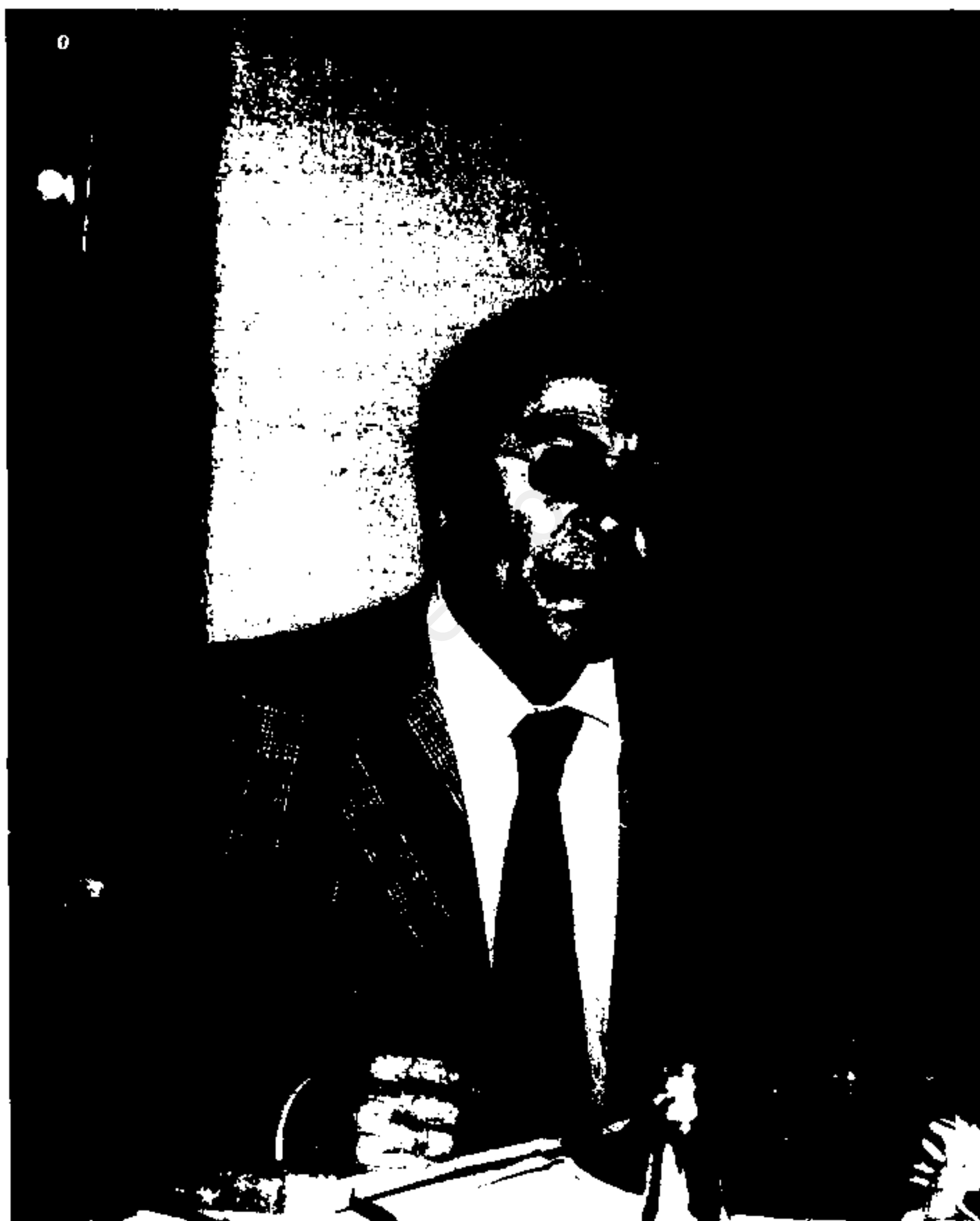
اشرف پهلوی پیش از آنکه رسماً از احمد شفیق جدا گردد، زمینه ازدواج با مهدی بوشهری را فراهم می‌سازد.^۲

می‌توان گفت شوهران اشرف پهلوی از وی به مثابه پلی برای دستیابی به موقعیتهای برتر سود می‌جسته‌اند. مشارکت شوهران وی در شرکتهای متعدد و پیشرفت روزافزون آنها در زمینه‌های اقتصادی با بهره‌مندی از نفوذ اشرف پهلوی و تسهیلاتی که او با ایجاد رابطه با بسیاری افراد برای ایشان مهیا می‌کرد، از مسائل مهمی است که با عنایت به آنها رابطه اشرف پهلوی با شوهرانش بهتر تعریف می‌شود.

به نقل از سند ساواک مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۸ یکی از شرکتهایی که مهدی بوشهری در آن فعال بوده شرکت تکنیساز است:

سهام این شرکت متعلق به آقای جعفر شریف امامی و آقای بوشهری و دو نفر دیگر می‌باشد. آقای شریف امامی و بوشهری از نفوذشان برای پیشبرد کار در مناقصات دولتی در این امر استفاده می‌نمایند. دو سال پیش همین شرکت در طرح شهرسازی شیکاگو که حدود ۳۵ میلیون دلار بود شرکت نموده بود. وامهایی که این شرکت از بانکهای ایران مخصوصاً بانک توسعه صنعتی اخذ می‌نماید با استفاده از نفوذ آقای

۱. اشرف پهلوی. همان. ص ۲۷۳. ۲. همان. ص ۲۳۲ و ۲۳۶.



مهدي بوشهري [۱۴۱۸-۱-پ]

شریف امامی و بوشهری اخذ شده است. نظریه: اکنون که برابر فرمان شاهنشاه محدودیت و ممنوعیتهایی در مورد دخالت مقامات دولتی و خاندان سلطنت در داخل کشور شده است، مراتب به جهت استحضار از عرض می‌گذرد.^۱

مناصب و مشاغل اشرف پهلوی

مروری بر نقش و عملکرد اشرف پهلوی در مراکز دولتی و بنیادهای خیریه، شناخت صریح و آشکارتری از انگیزه‌های او برای فعالیت در چنین مراکزی را بر ما روشن می‌سازد. وی رئیس کمیته ایرانی حقوق بشر، نایب رئیس کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی، رئیس سازمان زنان ایران و نایب رئیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بود. انگیزه محمدرضا پهلوی برای گماردن وی در رأس مراکز و سازمانها و هیئتهای نمایندگی، مهار رفتار افسار گسیخته وی و کسب وجهه برای او بوده است بدون آنکه باطناً اعتقادی به کارایی و تواناییهای اشرف پهلوی داشته باشد.

اسدالله علم در خاطرات خود در این باره می‌نویسد:

... از آنجا که والاحضرت اشرف شانس انتخاب شدن برای ریاست مجمع عمومی سازمان ملل را ندارد، حالا در کله‌اش فرو رفته که به عنوان نماینده دائم ایران در سازمان ملل انتخاب بشود. شاه گفت: این خواهر دوقلوی من روز به روز دیوانه‌تر می‌شود ... حرص و آرزو برای مال‌اندوزی ارضا شده حالا در پی افکار احمقانه و جاه‌طلبانه است ... اگر یک سرسوزن قابلیت مدیریت داشت با کمال میل پیشنهادش را بررسی می‌کردم، ولی چون خواهر من است خیال می‌کند می‌تواند از بالای سر وزارت خارجه کارهایش را انجام دهد. جاه‌طلبیهای او حقیقتاً نامعقول است. دستور داد تا فوری او را از نیویورک به تهران فرا بخوانم.^۲

شرکت اشرف پهلوی در بنیادهای خیریه، همواره به مثابه ارائه چهره‌ای غیرواقعی از وی بوده است بدون آنکه اطرافیان او و به ویژه محمدرضا پهلوی حتی اعتقادی به توانایی او برای ایفای نقش تصنعی وی در این‌گونه امور داشته باشد. محمدرضا پهلوی از چهره او چنین پرده برمی‌اندازد:

شرفیابی ... والاحضرت اشرف اجازه می‌خواهد که در یک بیانیه رادیو تلویزیونی

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ جلد دوم، ص ۴۱۹.

۲. اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، جلد اول، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۷۳.

تأسیس بنیاد خیریه اشرف پهلوی را اعلام کند. شاه گفت: نه، مطلقاً نه. اگر اقدام با ارزشی باشد، که من خیلی شک دارم که شایسته چنین توصیفی باشد، به این نوع تبلیغات نیاز ندارد.^۱

اشتیاق اشرف پهلوی به مال‌اندوزی و تجمل‌پرستی از سویی و نعل و وارونه زدن و تبلیغات برای گرسنگان آفریقا و جمع‌آوری اعانه برای مستمندان از سوی دیگر دو رویه سکه قلبی است که محمدرضا پهلوی از عیان شدن آن بیمناک است چرا که او خود در بسیاری موارد از سوی بعضی سیاستمداران به جهت رفتارهای اشرف پهلوی مورد مؤاخذه قرار می‌گرفته است.

یکشنبه، ۱۲ مهر ۱۹۷۶. شرفیابی. نامه‌ای را که از والاحضرت اشرف دریافت کرده بودم تقدیم کردم، که در آن از من خواسته بود به نخست‌وزیر یادآوری کنم که باید معادل ۱/۵ میلیون دلار به حساب بانکی او در سویس واریز شود. شاه اجازه این پرداخت را داد، ولی اظهار داشت: با همه اینها به او بنویسید و بگویید که قبلاً نامه هفت صفحه‌ای‌اش را درست درباره همین موضوع دریافت کردم. به او بگویید: خانم عزیز، اگر تا این حد مشتاق اندوختن ثروت و استفاده از نفوذ من برای پیشبرد کارهای تجاربتان هستید، پس چرا این قدر درباره بخشیدن ثروت خود جنجال به راه انداختید؟ مگر عقل از سرتان پریده؟ از یک طرف از سادگی طرفداری می‌کنید ولی از طرف دیگر تجمل‌پرستی رابه حد اعلا می‌رسانید حتی آرزوی ریاست مجمع عمومی سازمان ملل را در سر می‌پروانید: که همه‌اش خواب و خیال است. چرانی‌توانید رفتاری شایسته یک خانم داشته باشید، مانند خواهرتان شمس؟^۲

محمدرضا پهلوی همواره از روبه‌رو شدن با اشرف پهلوی برای انتقاد از وی و طرح مسائلی از این دست اجتناب می‌ورزیده است. این واقعیت نه تنها در خاطرات علم بلکه در اظهارات حسین فردوست نیز همواره به چشم می‌خورد و این از آن روست که محمدرضا پهلوی به سبب جسارت بیش از حد اشرف پهلوی از وی بیم داشته است و اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به او به اسدالله علم و حسین فردوست اظهار می‌کرده، با آگاهی و اطمینان از اینکه آنها هرگز موجب رنجش نخواهند شد.

۱. اسدالله علم. گفتگوهای من با شاه؛ جلد دوم. تهران، طرح نو، ۱۳۷۱. ص ۷۶۲.

۲. همان. صص ۸۲۱-۸۲۲.